

دفتر خاطرات اعتمادالسلطنه

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه پسر حاج‌الدوله است که قاتلی شریر بود و لقب چاکر آستان ملائک، پاسبان فرانسایشی شهریارِ را یکد می‌کشید و امیرکبیر را وی به قتل رساند. در روزنامه خاطرات خود می‌نویسد:

شاه شکار



پنجشنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۰۴، شاه امروز پلنگ شکار فرمودند. پلنگ زنده در میان نیزارها به دوربین مبارک

نظاره شد. به دستور سلطان قدر قدرت و قوی‌شوکت نیاز را آتش زدند. پلنگ نصفه کباب بیرون آمده بود که انگشت مبارک مانده چکاند و پلنگ به هلاکت رسید، لیک نیمه‌جان بود که ملیچک اول و رحیم فراش خلوت به شرکت به او قمه زدند و او را کشتند.

ملیچک با حظی وافر می‌گفت من خوب زخم زدم.

الاحقر حقیر ترین حقیرها

چهارشنبه ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۸، خطاب به سلطان صاحبقران ناصرالدین‌شاه قاجار: تمام ماها که نوکر شما هستیم زنده به انفس قدسیه شاهنشاه اسلام پناهیم. از صدر تا ذیل هیچ قابلیت نداریم و هکذا به چشم نمی‌آیم. تقویت شما یکی را امیر و یکی را وزیر می‌کند و انفس آن شه خورشید جمال به ما وجود بخشیده وقتی که این توجه نباشد همه ما از گه سنگ کمتر هستیم.

مراحم ملوکانه

دوشنبه ۲۴ محرم ۱۳۰۶، شاه تشریف‌فرما شدند به صاحبقرانیه من هم رفتم. طولوان (پزشک فرانسوی شاه) هم بود. شاه دستکش چرک خودشان را به طرف عمله خلوت انداخت، فرمودند: به شماها بخشیدم. احدی خم نشد این نعمت شاهنشاهی را بردارد. من برداشتم و بوسیدم، بالای سر خود گذاشتم، در بغل خود نهادم. شاه از این حرکت من به قدری خوش‌شان آمد که با طولوان صحبت انداختند و نیم ساعت از من تعریف فرمودند و به من فرمودند بعد از ناهار جایی نروم.

رهاورد علی بی‌غم



ناصرالدین‌شاه توجه خاصی نسبت به اعدام محکومین داشت، در سفر به اروپا دار زدن در انگلیس را شنیده بود و برای تماشای روزهای اقامتش در لندن اصرار کرده بود تا اویختن محکوم را ببیند لیکن در آن روزها محکومی نبود. در موقع بازدید زندان «نیوگیت» مسوولان زندان به عرض رساندند مجرمی در دسترس نداریم در پیشگاه سلوکانه آویخته شود. شاه به سوی یکی از ملتزمین رکاب برگشته و با او صحبت کرد. به محض ختم کلام مهمانداران متوجه شدند دو تن از درباریان، شخص ثالث رعیتی را که به شدت رنگش پریده و ناله و تضرع می‌کرد کشان کشان می‌آوردند تا سبک اعدام انگلیسی را بچشد. مهماندار به زحمت و با کوشش بسیار توانست ناصرالدین‌شاه را از این فکر منصرف کند و مرد بی‌گناه را حیات دوباره بخشید.

خاطرات سرآرتور هاردینگ، ترجمه شیخ‌الاسلامی انتشارات کیهان

دوای صلح جنگ آست

بیسمارک صدراعظم مقتدر آلمان در پیامی به شاه می‌گوید: «علیحضرت از دوستی آلمان مطمئن باشید که در موقع ضرورت از مداخله و اقدام مضایقه نخواهد کرد، ولی در مقام خیرخواهی به شما می‌گویم به حمایت و معاونت دیگران نباید آسوده نشست، زیرا پولتیک دول، مستقیم و لاینتیر نیست و به جزئی تغییر می‌کند. باید هر دولتی در فکر استقلال خود باشد و این استقلال را از دیگران نخواهد. محرک چرخ پولتیک دول امروز افکار عمومی است. هیچ دولتی برخلاف افکار عمومی حرکتی نمی‌کند. قوه مالیه و حربیه ایران به درجه مطلوب نیست، نواقص دارد، ولی استعداد هر نوع اصلاح و ادوات آن در ایران موجود است. بهترین وسیله دوام صلح، حاضر به جنگ بودن است. مجدداً سرمشق نمودن دولت پروسیا را به شما توصیه می‌کنیم که بدترین فقر و فلاکت بود و به همت و غیرت و صبر و قناعت به این سعادت رسید.»

مرغ همسایه غازه

صبح اطلاع دادند که شاه سوار شده شمران گردش می‌روند. من مدتی بود نایب‌السلطنه را ندیده بودم. رفتم اما خیلی دیر بیرون تشریف آوردند تا کار احتساب را صورت دادم. خیلی خسته شدم. به عجله خود را به عشرت‌آباد رساندم. شاه حرکت نفرمودند. بعد از ساعتی بیرون تشریف آوردند. راندند به داوودی، ناهار صرف فرمودند، با ناصرالملک قدری خلوت فرمودند. از آنها به باغ مخبرالدوله واقع در قلعهک، ۱۰۰ تومان پیشکش داده شد. تعریف شیشه‌های پنجره آنجا را فرمودند. عمارت من را که خوب پاک است و مرا اذیت می‌فرماید که شیشه‌های عمارت بین به این پاکی نیست. عرض کردم مثلی است مشهور «مرغ همسایه غازه». خلاصه از آنجا به عمارت بیلاقی انگلیس، از آنجا به باغ سعدالدوله و از آنجا به باغ حشمت‌الدوله و بعد به خانه بیلاقی عثمانی‌ها و بعد به سلطنت‌آباد رفتند. من از نیاوران به حسن‌آباد رفتم. شب محقق و حکیم‌الملک مهمان من هستند. ملاموسی و عمو هم هستند. شب خوبی نگذشت. شاه به عشرت‌آباد تشریف بردند. شب آنجا تشریف دارند.

بهای راه‌آهن



عبدالعظیم واگذار کرده بود، این کمپانی به کمپانی دیگر فرنگی یک کرور تومان فروخته بود. سبحان‌الله از این امتیازات مفت که در این اواخر دولت به فرنگی‌ها داد و به چه مبلغ گراف فروخته شد.

کمینه مجازات

اعلان: به عموم اهالی دارالخلافه تهران اظهار می‌دارد از غره صفرالمظفر ۱۳۲۳ بر حسب امر مبارک، گوشت را در ظرف سال، در چهار فصل، به چهار قیمت بدون کم و کسر ابتیاع نمایند. سه ماه بهار چارکی یکپهزار و چهارصد دینار، سه ماه تابستان یکپهزار دینار، سه ماه پاییز یکپهزار و دویست دینار و سه ماه زمستان یکپهزار و شصتد دینار. اگر احدی از قصاب از این قیمت تجاوز کرد فوراً به اداره بلدیّه اطلاع دهد.

اعتمادالسلطنه، مجله بررسی‌های تاریخی سال پنجم

اجاره شیات

امروز وقت ناهار شاه، در خدمت شاه بودم. امین‌السلطان جمع و خرج این سفر (اروپا) را عرض کرد. یکصد و هفتاد هزار تومان از روطر (رویز) ولینازوف (اجاره‌کننده شیاتل) اجاره شیلی (شیاتل) گرفته شد. تماماً خرج شد مگر ۱۰ هزار تومان که باقی است. بعد از تمجید زیاد مقرر شد این ۱۰ هزار تومان را به این طور تقسیم کنند: سه هزار تومان صرف جیب شاه، یعنی عزیزالسلطان باشد، باقی را امین‌السلطان تا سر حد به انعامات و غیره صرف کند و تعجب در این است که این پول معلوم نیست چه شده تنها ۲۰ هزار تومان انعامات باشد و ۳۰ هزار تومان ابتیاعات. هر جا که میهمان بودیم نه اسلحه خریداری شد و نه هیچ چیز که اسباب بهبودی مملکت باشد. اقلاً اگر از این یکصد و هفتاد هزار تومان ۱۰ هزار تومان خرج اکسپوزیون (نمایش) پاریس می‌شد این همه بدنامی بار نمی‌آمد.

به هر حال به من چه این فضولی‌ها.

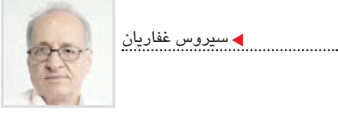
دفع شر

صبح دارالخومه بودم، بعد خدمت شاه رسیدم. بعد از ناهار به باغچه مراجعه کردم. امروز ابتیاهج‌السلطنه عیال حسام‌السلطنه از قزوین آمد، وارد شهر شد و یکسر به دین اهل خانه که خواهر ایشان است آمده، شب هم اینجا بوده به این جهت من بیرون خوایدم. فرمانی از عبدالرحمان‌خان امیر افغان دیدم که حکم به قتل شیعیان داده و جمعی را کشته‌اند. دولت ایران به سفر تخاصه انگلیس ملتجی شده که بلکه دفع شر افغان را بکند. حالا چون قشونی نیست به تملق و عجز اقدامات می‌نماییم والا باید فاتحه خراسان را خواند.

تاریخ

مروری بر تحولات تاریخی کشور چین - بخش اول

تاریخ چین از باستان تا امروز



◀ سیروس غفاریان

کهن‌ترین نوشته تاریخی درباره «چین» کتاب «شوچینگ» یا کتاب تاریخ است. این کتاب دربردارنده حوادث چین از ۲۲۰۰ ق م بوده است. در این اثر از امپراتوری‌ای به نام «یانو» یاد شده که اخترشناس بوده است. بی‌جهت نیست که ویل دورانت مورخ معاصر می‌نویسد: «کشف فرهنگ چین یکی از موفقیت‌هایی است که در عصر روشنگری اروپا دست داده.» [«دیدرو» درباره چینی‌ها می‌گوید: «این قوم از لحاظ قدمت تاریخی، هنر، هوش، خرد، سیاست و فلسفه از سایر اقوام آسیایی برترند. چینی‌ها نیز این موضوع را کتمان نمی‌کنند و تا قرن بیستم، آنان ساکنان اروپا و آمریکا را وحشی شمرده‌اند.»] چینی‌ها در قبل از میلاد مسیح «سناره دنباله‌دار هالی» را شناخته بودند. فکر چینی در فلسفه دو فیلسوف بزرگ آن سرزمین یعنی «لائوتسه» (۵۱۷ – ۴۰۴ ق م) و «کنفسیوس» یا «کونگ تسه» (۴۷۹ – ۵۵۱ ق م) نمایان است.

فکر چینی که از دوران باستان از اذهان متفکران چینی تراوش کرده است، در جامعه چینی طوری تسری پیدا کرد که: «امپراتور چین همکار انسانی آسمان بلندپایه و ارجمندی است که به زبان چینی «هوانگ تی‌ن» است که خدای چین محسوب می‌شود.» از این نظر به چین لقب «کشور آسمانی» داده‌اند. [«لائوتسه» کلید سپهر (آسمان) را «تانو» به معنی جاده و راه راست می‌داند.] پیروی کردن از قانون تائو نتیجه‌اش رسیدن به خردمندی است که انسان را به اوج آسمان‌ها می‌رساند.

او فلسفه «تانو» (طریقت) را پایه‌گذاری می‌کند و توصیه می‌کند که هرگز با طبیعت و هم‌چنان خود سستیزه مکن. هنری توماس در کتاب بزرگان فلسفه درباره او می‌گوید: «او مانند روسو فیلسوف فرانسوی عصر روشنگری کتاب طبیعت را یگانه راهنمای زندگی معرفی می‌کند.» و اضافه می‌کند که دانش فضیلت نیست زیرا بعضی از شریرترین افراد جهان مردم تحصیلکرده و دانشمند بوده‌اند. او کمی پیش از کنفسیوس زندگی می‌کرد. لائوتسه عقیده داشت «تائوئیسم» یک مشرب صوفیانه است که عاقبت آن طی طریق کردن به آسمان‌هاست. اما «کنفسیوس» عقایدش کاملاً با افکار لائوتسه متضاد بود. او فیلسوفی اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی بود. کنفسیوس پسر یک سردار چینی بود ولی با نفرت از جنگ‌طلبی و شور عدالتخواهی بزرگ شد. در ۲۱سالگی معلم شد. کنفسیوس با آنکه عاشق صلح بود، فلسفه لائوتسه را بیش از حد نرم یافت و صوفیانه. در زمان او بی‌عدالتی چندان بود که جامعه به اصلاح شدیدی نیاز داشت و نباید به ستمکار تسلیم شد. کنفسیوس عقایدش برخلاف لائوتسه بود. او می‌گفت با مردم مهربان به مهربانی رفتار کنبد اما درباره ستمگران شدت عمل به خرج دهد و به عبارت دیگر با هر کس آن گونه رفتار کنبد که استحقاق دارد. او با دعوت امپراتور زمان خویش که در ایالت «لو» حکومت می‌کرد وزیر دادگستری شد. اما ایالت «لو» جایگاه دزدان و آدمکش‌شان شده بود و کار فیلسوف مشکل شد. نماینده تاجران و سوداگران از او پرسید برای این بی‌نظمی اجتماعی چه باید کرد. کنفسیوس جواب داد: تنها راه جلوگیری از دزدی جلوگیری از احتکار و انحصارطلبی است. اگر سود شما کمتر باشد پول‌تان کمتر است و چشم طمع دزد به سرقت آن کمتر می‌شود. کنفسیوس بزرگ‌ترین گناه



تصویربرداری از کنفسیوس

چین پس از سه دهه رشد چشمگیر اقتصادی با پشت سر نهادن ژاپن به دومین اقتصاد بزرگ دنیا پس از آمریکا تبدیل شده است. امروز در جهان کمتر کشوری هست که از کالاهای چینی استفاده نکند؛ کشوری که در قرن نوزدهم دارای جمعیت کثیری معنات به تریاک بود و تولیدی برای صادرات نداشت و همواره لگدکوب قدرت‌های خارجی می‌شد. بعد از پیروزی مائوتسه تونگ در ۱۹۴۹ تاکنون که ۶۱سال می‌گذرد، این کشور در زمینه‌های کشاورزی و صنعت گام‌های سریع برداشته به طوری که از دهه ۱۹۶۰ به بعد ملت صبور، قانع و زجردیده چین پس از عبور از مرحله تنگناهای اقتصادی، مازاد تولیدات صنعتی و کشاورزی خویش را به کشورهای آسیایی و آفریقایی به صورت کمک‌های اقتصادی عرضه می‌داشت. پس از مرگ مائو و روی کار آمدن «دنگ شیائو پنگ» و باز



کنفسیوس: تنها راه جلوگیری از دزدی جلوگیری از احتکار و انحصارطلبی است. اگر سود شما کمتر باشد پول‌تان کمتر است و چشم طمع دزد به سرقت آن کمتر می‌شود. کنفسیوس بزرگ‌ترین گناه را خشم و کینه می‌دانست. آن کس که کینه را در دل نگه می‌دارد لبریز از زهری است که گزندش به خود او می‌رسد.

دوره امپراتوری او را عصر طلایی می‌گویند چون به هنر و ادبیات توجه کامل شد و او در حکم پریکلس چین است. در زمان سلطنت او مجسمه‌های بزرگی از بودا در سراسر چین ساخته شد. قبل از دوره تانگ‌ها، چینی‌ها به وسیله خمیر کردن کهنه‌پاره و کف و پوست درختان موفق به ساختن کاغذ شدند. اما در این دوره ایچاد چاپ و ساختن باروت انقلاب عظیمی در زمینه امور فرهنگی و نظامی ایجاد کرد. در زمان سلسله تانگ روابط ایران و چین بسیار گسترش یافت. در زمان هی یوان- تسونگ بعد از اینکه یزدگرد سوم در بلخ به دست آسیابانی کشته شد یکی از فرزندان او به نام فیروز سوم در ۶۸۳ میلادی برای تهیه قوا و مبارزه با اعراب به چین فرار کرد. او با اجازه خاقان چین در منطقه «چان کان» آتشکده بنا کرد. پس از مرگ او فرزندش «سری» خود را پادشاه ایران در تبعید خواند. در ۷۲۸ میلادی همزمان با اواخر دوره امویان خسرو نامی از خاندان ساسانی خود را شاه ایران خواند ولی بعد از مرگ او به کلی ساسانیان منقرض شدند. **نگاهی به روابط چین و ایران از اواخر اشکانیان تا زمان یزدگرد سوم**

در زمان سلطه کوشانیان از پیشاور تا بلخ که پیرو دین بودا شده بودند و همواره مطیع اشکانیان بودند در دامنه کوه‌های بامیان مجسمه‌های عظیم از بودا ساخته بودند که به علت قرابت دینی کوشانیان با چینی‌ها، روابط اشکانیان و امپراتوران چین همواره حسنه بود و دو طرف محصولات خود را مبادله می‌کردند. جهانگردان چینی که در اوایل اشکانیان به ایران آمدند با خود بذر بسیاری از محصولات کشاورزی را به چین بردند. از جمله بذر انگور و یونجه به چین برده شد و سپس نهال انار را به چین بردند. در چین انار را میوه پارتی می‌گفتند. میوه هلو و زردآلو را چینی‌ها به ایران آوردند. تمام این مبادلات از زمان مهرداد کبیر به بعد انجام شد. در سرزمین پارت‌ها گذشته از ابریشم چینی، فولاد چینی از طریق مرو وارد ایران می‌شد که از آن به عنوان مواد اولیه سلاح استفاده می‌کردند. از بابل و کلدو و ایران شترمرغ که به پرند پارتی معروف بود به چین صادر می‌شد. در زمان شاپور دوم ساسانی کبیر به بعد انجام شد. در سرزمین پارت‌ها چین دوباره احیا شده بود امپراتوران جنوب و شمال در فرستاند سفیر و مبادلات اقتصادی با ایران ساسانی رقابت می‌کردند و این وضعیت تا آخر سلطنت قباد در قرن پنجم میلادی ادامه داشت. به طور کلی در دوره ساسانیان رقابت بین ایرانیان و رومیان بر سر تجارت ابریشم همچنان ادامه داشت. خاندان «چو از تیره شمالی» در زمان سلطنت انوشیروان روابط بسیار صمیمانه با ایران داشتند. مسعودی مورخ اسلامی از نامه شاه چین به انوشیروان و هدایایی که مبادله شده سخن به میان آورده است. این مناسبات حسنه تا زمان جارتشیان یزدگرد سوم همواره برقرار بود.

نام «لیوپنگ» سلسله هان را تشکیل داد.

بزرگ‌ترین و معروف‌ترین امپراتور این خاندان «ووتی» (یویتی) نام داشت. در زمان او یعنی در ۱۵۰ ق م قبایل وحشی هن را از شمال چین راند و خود را به فرغانه رسانید و در شرق چین سرزمین‌های کره و ویتنام را تسخیر کرد. ووتی ارتباط بین شرق و غرب را به وسیله جاده ابریشم گسترش داد. در زمان مهرداد کبیر (اشک نهم) (۸۸-۱۲۴ ق م) ووتی هیات‌های سیاسی و بازرگانی به دربار اشکانی فرستاد. از این پس فرستاند ابریشم به ایران رونق گرفت و سفیر چین در بازگشت با خود چند عدد شترمرغ و تخم آن را با خود به چین برد. پس از رونق گرفتن روابط بین دو کشور، چینی‌ها کالاهای خود را به «تبت» و «پامیر» می‌آوردند و در آنجا کاروانیان رومی و یونانی که از انطاکیه آمده بودند، کالاهای خود را با چینی‌ها مبادله می‌کردند و سود ترازینی آن را دولت اشکانی می‌گرفت. در زمان خسرو (اشک بیست و سوم) رابطه ایران با چین و روم کاملاً در حالت همزیستی و صلح بود. خسرو چون می‌خواست از تجار چینی محصولاتی که وارد فرات را مرز ایران و روم قرار داد. در سال ۱۰۱ میلادی و همزمان با قدرت سلسله هان، خسرو سفیری به دربار چین فرستاد و با آن کشور رابطه حسنه ایجاد کرد و علاوه بر شترمرگی که به چین صادر کرد، دو شیر ماده و نر نیز به چین فرستاد و از آن زمان به بعد چینی‌ها برای «شیر»، لفظ «شی» را به کار بردند که ریشه فارسی دارد. از آن زمان به بعد چینی‌ها در جشن‌های خود علاوه بر ساختن اژدهای مصنوعی و بردن آنها در کارناوال‌ها، کسانی خود را به شکل شیر درمی‌آوردند و در آثار هنری و مجسمه‌های چینی، شکل و تمثال شیر نیز به کار برده شد. (چینی‌ها عقیده داشتند نگهدارنده زمین زنده‌است و تکان خوردن او باعث زلزله می‌شود). در زمان خسرو (اشک بیست و سوم) ایرانی‌های اشکانی از فروش پارچه‌های چینی به ویژه ابریشم خام به دولت روم عایدات سرشاری کسب کردند.

«ووتی» اجازه داد تا میلغان بودایی در چین فعالیت داشته باشند. سلسله هان در ۲۲۰ میلادی همزمان با سلطنت اردوان پنجم منقرض شد و کشور چین به دست سه پادشاه افتاد و ملوک‌الطوایفی تجدید شد.

چین تحت سلطه تانگ‌ها

پس از زوال سلسله «هان» خاندان «سوئی» مدتی حکمفرمایی کرد ولی در ۶۱۸ میلادی همزمان با سلطنت خسرو پرویز در ایران سلسله «تانگ» روی کار آمد و توانست حدود مرزهای خود را به هند و ایران برساند. سومین امپراتور این خاندان «کانو تسنگ» تمام شبه‌جزیره کره را گرفت. در ۶۸۳ میلادی «هی یوان- تسونگ» توانست قلمرو خود را تا شهر تاشکند در ترکستان گسترش دهد.

را از کنار دیوار نداشتند و آنها را درون دیوار دفن می‌کردند و به زبان دیگر باید گفت این دیوار روی اجساد مردم بنا شده است. مورخان امریکایی معتقدند اگر قرار بود مثلاً این دیوار در سرزمین ایالات متحده ساخته شود کوهستان‌ها و تپه ماهورهای بین ایالات «فیلادلفیا» تا آن سوی «کلانزاس» را دربر می‌گرفت. (رجوع شود به مسیر تکاملی تمدن، نوشته پاول تاد، ترجمه هاشم رضی، ص ۲۲۸)

در ۲۱۳ ق م مراسم کتاب‌سوزان انجام گرفت و به دستور «شی هوانگ تی» کلیه کتب تاریخی،



فلسفی، ادبی و اجتماعی سوزانیده شد و به عموم اختار شد که هر کس از وضعیت گذشته تعریف کند و از وضعیت کنونی انتقاد کند، خود و کسانش کشته خواهند شد اما تعجب در این است که این امپراتور مغرب فرهنگ از هر کتاب سنجشهای را در یک یابگانی امانت گذاشت و پس از مرگ «شی هوانگ تی» آن کتاب‌ها از گنجینه سری درآمد و معلوم شد سازنده و ابداع کننده دیوار چین اولین امپراتور نبوده بلکه تاریخ چین از ۲۳۵۶ سال قبل از میلاد آغاز می‌شود و اولین امپراتوری مربوط به شخصی به نام «یانو» است و تا زمان سلسله «شانگ» وحدت کشور حفظ شده و در قرن دهم بعد از سقوط «شانگ» ملوک‌الطوایفی آغاز شد و زمانی که «شی هوانگ تی» امپراتور شد چون پایان‌دهنده به سیستم خان‌خانی (ملوک‌الطوایفی) بود، خود را اولین امپراتور نامید. وقتی کتب علمی باز شد و قرأت شد معلوم شد چینی‌ها کمتر از مصریان باستان نبوده‌اند و علت خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی را می‌دانسته و تقویم دقیق داشته‌اند و نخستین رصدخانه‌های چینی در دو هزار سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده است و رصدگران چینی ستارگان زیادی را رصد کرده‌اند.

«شی هوانگ تی» همزمان با سلطنت اشک اول موسس سلسله اشکانی بوده است. لازم به یادآوری است که «شی هوانگ تی» از خانواده چهاین (تسین) بود که لفظ چین از نام این سلسله گرفته شده که در قرن سوم ق م زمامدار چین شد.

سلسله «هان»

در ۲۰۷ ق م یکی از سرداران چینی به